

دل‌بستگی مکانی کوه‌پیمایان را چه چیزی مشخص می‌کند؟ (مطالعه موردی: کوه توچال)

مهرداد حاتمی*^۱

کارشناس ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱)

چکیده

گذران فراغت تحت تأثیر تحولات اقتصادی - اجتماعی و ارزش‌های جهانی یکی از دغدغه‌های افراد است. هدف از انجام این پژوهش تدوین روابط ساختاری فراغت جدی با قصد سفر و میانجی‌گری دل‌بستگی مکانی در میان زنان و مردان کوه‌پیمای کوه توچال تهران بود. روش تحقیق توصیفی - هم‌بستگی بود که به صورت میدانی اجرا شد. جامعه آماری پژوهش، گردشگران کوه‌پیمای کوه توچال است که سالانه حداقل دارای دوازده شب اقامت در سال را در اقامتگاه‌های این کوه داشتند. جهت تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار PASS استفاده شد. در نهایت تعداد ۲۷۵ نمونه در تحقیق شرکت کردند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های گولد و همکاران (۲۰۰۸)، رامکینسون و همکاران (۲۰۱۳) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۶) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۵ و لیزرل نسخه ۸.۸ بهره گرفته شد. نتایج نشان داد دو متغیر فراغت جدی و دل‌بستگی مکانی به همراه هم قادر به پیش‌بینی تقریباً ۲۴ درصد تغییرپذیری متغیر وابسته یعنی قصد سفر هستند. بنابراین یکی از عوامل مهم برای افزایش قصد سفر افراد از انجام فعالیت فراغتی، دل‌بستگی مکانی است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که هیچ تفاوتی میان زنان و مردان کوه‌پیمای کوه توچال از نظر نمره فراغت جدی، دل‌بستگی مکانی و قصد سفر وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: فراغت جدی، دل‌بستگی مکانی، قصد سفر، جنسیت، کوه‌پیمایان.

مقدمه

گذران فراغت تحت تأثیر تحولات اقتصادی - اجتماعی و ارزش‌های جهانی است و بخش مهمی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد. جایی که هر فرد با توجه به منابع مالی، علاقه و تجربه خود تصمیم می‌گیرد از زمان آزادی که در اختیار دارد، برای توسعه انتخاب‌های شخصی استفاده کند (کوهنیس^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). طبق مطالعات صورت‌گرفته، با توجه به ویژگی منحصر به فرد فراغت به‌عنوان یک فعالیت آزادانه، که بدون هیچ اجباری و با انگیزه ذاتی که فرد آن را به‌خاطر خودش انجام می‌دهد و در آن به‌دنبال به‌دست آوردن معانی ارزشمند زندگی است، انجام می‌گیرد (ایوازاکی^۲، ۲۰۱۷). مشارکت افراد در هر سن و پیشینه مختلف اقتصادی و اجتماعی در فراغت، محیطی را فراهم می‌کند که باعث یادگیری و تجربه می‌شود (آندریو و لولاند^۳، ۲۰۱۷). بنابراین، فراغت نقش بسیار مهمی در توسعه افراد و جوامع ایفا می‌کند (رائولت و ماکمهل^۴، ۲۰۱۶).

سیاست‌های اجتماعی برای بحث‌های انجام‌شده در مطالعات فراغت، در مورد رابطه بین زن و مرد و دسترسی آن‌ها به فراغت اهمیت ویژه‌ای دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات، رابطه قوی بین تبعیض جنسیتی در سیاست اجتماعی مربوط به خانواده و تفاوت در میزان مشارکت در ورزش‌های زنان و مردان را نشان می‌دهد (کی^۵، ۲۰۰۰). مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد، زنان کوه‌پیما ساختارهای جنسیتی و فرهنگ مردانه را به‌عنوان محدودیت‌های اصلی برای کوه‌پیمایی و ذهنیت شخصی را به‌عنوان یک عامل اصلی موفقیت درک می‌کنند (هوارد و گلدنبرگ^۶، ۲۰۲۰). زنان کوه‌پیمایی را لحظه‌ای مهم در زندگی خود می‌دانند، که احساس آرامش بیشتری به آن‌ها می‌دهد (بوش^۷، ۲۰۱۳). در ایران سازمان‌ها و ادارات مختلفی مانند فدراسیون ورزش‌های همگانی، معاونت ورزش‌های همگانی وزارت ورزش و جوانان، شهرداری‌ها، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ... وجود دارند؛ جایی که هر کدام مأموریت‌های خود را برای توسعه ورزش‌های تفریحی در نظر می‌گیرند. با این حال، تعداد شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی در ایران هنوز کم‌تر از نسبت جهانی است (احسانی و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعات صورت‌گرفته در زمینه فراغت نشان می‌دهد با وجود بیشتر بودن فراغت ایرانیان از سرانه جهانی میزان زمان اختصاص‌یافته به این نوع فعالیت‌ها نسبت به میانگین جهانی کم‌تر است و ایرانیان ترجیح می‌دهند زمان خود را صرف کارهای دیگری

1. Kühnis
2. Iwasaki
3. Andrieu & Loland
4. Roult & Machemehl
5. Kay
6. Howard & Goldenberg
7. Bosche



بکنند (سفیری و مدیری، ۲۰۱۱). این امر تا حدی به این دلیل است که در ایران، تا جایی که ما می‌دانیم هیچ برنامه ملی و جامعی وجود ندارد که مورد توافق همه سازمان‌ها برای ارتقای مشارکت واقعی افراد در فعالیت‌ها در اوقات فراغت باشد.

روش‌شناسی

هدف از انجام این پژوهش تدوین روابط ساختاری فراغت جدی با قصد سفر و میانجی‌گری دل‌بستگی مکانی در میان زنان و مردان کوه‌پیمای کوه توچال تهران بود. این پژوهش از نوع توصیفی - هم‌بستگی است که به صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری پژوهش، گردشگران کوه‌پیمای کوه توچال است که سالانه حداقل دوازده شب در اقامتگاه‌های این کوه اقامت داشتند. جهت تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار PASS استفاده شد که در نهایت تعداد ۲۷۵ نمونه در تحقیق شرکت کردند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از یک فرم جمعیت‌شناختی و سه پرسش‌نامه گولد و همکاران (۲۰۰۸) و رامکینسون و همکاران (۲۰۱۳) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۶) با طیف هفت ارزشی لیکرت استفاده شد. سؤالات فرم جمعیت‌شناختی در نظر گرفته شده شامل سن، جنسیت، وضعیت تأهل، درآمد ماهانه، تحصیلات، همراهان سفر و دفعات حضور در فعالیت‌های کوه‌پیمایی در سال بود. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها توسط نه تن از استادان مدیریت ورزشی دانشگاه‌های کشور بررسی شد. به منظور ارزیابی پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها، سی پرسش‌نامه در مطالعه مقدماتی از کوه‌پیمایان در کوه توچال به صورت برخط دریافت شد. ضریب پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد محاسبه قرار گرفت و مقدار آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۱۲ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نخست داده‌های مربوط به آمار توصیفی (شاخص‌های آماری گرایش به مرکز و پراکندگی) و سپس در سطح استنباطی به منظور آزمون فرضیات تحقیق از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل استفاده شد. نرم‌افزارهای مورد استفاده در پژوهش اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۶ و لیزرل نسخه ۸.۸ بود. جهت برازش مدل پژوهش از شاخص $SRMR^1$ استفاده شد که با مقدار ۰/۰۳۳ نشان می‌دهد مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

یافته‌ها

به‌طور کلی نتایج نشان داد که فراغت جدی بر قصد سفر کوه‌پیمایان ارتباط مثبت و معناداری دارد و دل‌بستگی مکانی با نقش میانجی خود ارتباط بین فراغت جدی و قصد سفر را تقویت

1. Standardized Root Mean Square Residual

می‌کند. در بین ابعاد فراغت جدی و دل‌بستگی مکانی، حرفه و وابستگی مکانی بیشترین میزان میانگین (۶/۱۷) و (۴/۰۹) را به خود اختصاص داده‌اند.

در تحقیق حاضر تأثیر فراغت جدی بر قصد سفر کوه‌پیمایان معنادار بود. بنابراین می‌توان گفت که هر چقدر مشارکت‌کنندگان دارای ویژگی‌هایی همچون تلاش، حرفه، پشتکار، هویت و آداب‌ورسوم بیشتری باشند، قصد سفر آن‌ها بیشتر می‌شود. یعنی هرچه که فرد تلاشش را برای رسیدن به مهارتی خاص بیشتر کند و در آن اراده بیشتری داشته باشد تا بتواند در سختی‌های موجود در مسیر غلبه کند و خود را در ویژگی‌های فراغتی کوه‌پیمایان از دیگران متمایز ببیند، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، قصد سفر بیشتری دارد. نتایج حاصل از بررسی تأثیر ابعاد فراغت جدی شامل پشتکار، تلاش، حرفه، هویت و منش خاص بر دل‌بستگی مکانی نیز نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معناداری است. تحقیق نتیجه گرفت که هویت و منش خاص فراغت جدی بهترین پیش‌بینی‌کننده روابط اجتماعی معنی‌دار است که دل‌بستگی شرکت‌کنندگان به یک مکان را تسهیل می‌کند. دل‌بستگی مکانی می‌تواند به‌عنوان تقویت‌کننده قصد سفر گردشگران عمل کند. در این فرضیه براساس خروجی نرم‌افزار نتایج نشان داد که تمامی ابعاد دل‌بستگی مکانی بر قصد سفر تأثیر مثبت و معناداری دارد و بعد هویت مکانی با ضریب 0.78 بیشترین تأثیر را بر قصد سفر دارد. براساس این نتایج می‌توان اذعان داشت افرادی که سعی در معرفی و شناسایی خود با توجال یا یک مکان خاص را دارند قصد سفر بیشتری به آن مکان دارند. همچنین پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متغیر فراغت جدی از طریق میانجی‌گری متغیر دل‌بستگی مکانی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی قصد سفر کوه‌پیمایان است. یعنی با ارتقای متغیر فراغت جدی، قصد سفر کوه‌پیمایان از طریق دل‌بستگی مکانی افزایش است. همچنین، تأثیر متغیر فراغت جدی بر قصد سفر از طریق میانجی‌گری هر یک از ابعاد دل‌بستگی مکانی مثبت و معنی‌دار است که در این میان هویت مکانی بیشترین تأثیر را به‌عنوان میانجی بر قصد سفر دارد. دو متغیر فراغت جدی و دل‌بستگی مکانی به همراه هم قادر به پیش‌بینی تقریباً ۲۴ درصد تغییرپذیری متغیر وابسته یعنی قصد سفر هستند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که هیچ تفاوتی میان زنان و مردان کوه‌پیمای کوه توجال از نظر نمره فراغت جدی، دل‌بستگی مکانی و قصد سفر وجود ندارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بین زنان و مردان در متغیر فراغت جدی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به نظر می‌رسد احساس ذاتی تعلق به جامعه کوه‌پیمایی که برای زنان فراهم می‌شود باعث کم‌تر شدن فاصله و شکاف‌های بین زنان و مردان شده و زنان محدودیت‌های کم‌تری را درک می‌کنند و همچنین این امکان وجود دارد که خصوصیت‌ها و اخلاق منحصربه‌فردی که در بین کوه‌پیمایان دیده می‌شود می‌تواند



شکاف‌ها و محدودیت‌های جنسیتی را کاهش دهد. در بررسی تفاوت بین زنان و مردان در متغیر دل‌بستگی مکانی نتایج نشان داد بین زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به‌طور کلی با توجه به مطالعات پیشین به‌نظر می‌رسد که زنان دارای سطوح بالاتری از دل‌بستگی به‌دلیل ویژگی‌های شخصیتی و روابط اجتماعی قوی‌تر نسبت به مردان هستند، اما در این مطالعه تفاوتی میان زنان و مردان از نظر دل‌بستگی مکانی وجود نداشت. همچنین نتایج نشان داد بین زنان و مردان در متغیر قصد سفر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. دلیل نبود تفاوت میان زنان و مردان می‌تواند این باشد که جنسیت تنها عامل مهم برای قصد سفر افراد نیست و می‌تواند تحت تأثیر سایر عوامل شخصیتی و جمعیت‌شناختی افراد قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل داده‌های این مطالعه نشان داد پیگیری نظام‌مند فراغت توسط کوه‌پیمایان دارای ارتباط مثبت با مکانی است که در آنجا فعالیت‌های فراغتی خود را انجام می‌دهند. مشارکت نظام‌مند و جدی در فراغت، می‌تواند پیوند اجتماعی، هویت مکانی، وابستگی مکانی و تأثیر مکانی را به همراه داشته باشد و باعث قصد سفر کوه‌پیمایان به آن مکان شود. احتمالاً علاقه‌مندی کوه‌پیمایان به پیگیری فراغت به‌صورت جدی، دلیل حضور بیشتر آنان در مکان خاصی خواهد بود. یافته‌های توصیفی از وضعیت متغیر فراغت جدی بیانگر آن بود که میانگین تمام ابعاد این متغیر بالاتر از حد متوسط است (۵/۵۳ میانگین) که حرفه کلیدی‌ترین عنصر برای ورزشکارانی است که در فعالیت‌های فراغتی شرکت می‌کنند. در نتیجه می‌توان اذعان داشت کوه‌پیمایان کوه توچال تهران فراغت خود را به‌صورت جدی در این مکان صرف می‌کنند. بدین معنا که آن‌ها پیگیر نظام‌مند فعالیت‌های فراغتی خود هستند و با صرف زمان در این مکان تفریحی - ورزشی خود را از دیگران متمایز می‌کنند و حتی ارزش‌ها و باورهای خاص مربوط به این مکان را به نمایش می‌گذارند. ازسوی دیگر، نمرات بالای پاسخ‌دهندگان به ابعاد فراغت جدی حاکی از آن است که این افراد در زمان فراغت خود فرصت‌هایی برای یادگیری و غلبه بر مشکلات جسمانی و روانی خود فراهم می‌آورند. ازطرفی با توجه به این‌که در بین ابعاد اوقات فراغت جدی، حرفه بالاترین میانگین را در بین پاسخ‌دهندگان به خود اختصاص داده بود، می‌توان عنوان داشت افرادی که در امر فراغت خود جدی هستند، ممکن است نه‌تنها امکان پیشرفت شغلی در اوقات فراغت خود را افزایش دهند، بلکه مایل به غلبه بر مشکلات موجود در مسیر پیگیری اوقات فراغت نیز باشند. به همین ترتیب هویت خاصی نسبت به آن مکان پیدا می‌کنند و یک پیوند عاطفی با این مکان‌ها ایجاد می‌کنند. همچنین، امکان وجود تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های ورزشی با

اعضای خانواده، دوستان و سایر علاقه‌مندان به فعالیت‌های فراغتی مشابه، عاملی مهم برای تسهیل پیوستن به فعالیت‌های فراغت جدی محسوب می‌شود. علاوه بر این، جنبه اجتماعی شدن در اماکن تفریحی ورزشی، پیوند و اتصال بیشتر به مکان را به همراه دارد. همچنین بررسی میانگین دل‌بستگی مکانی نشان می‌دهد که مجموع میانگین ابعاد این متغیر $3/51$ است که در طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت از عدد میانگین یعنی ۴ کوچک‌تر است. این میزان میانگین می‌تواند به این معنا باشد که کوه‌پیمایان ممکن است گزینه‌های دیگری برای جایگزینی برای کوه‌پیمایی داشته باشند. بنابراین وقتی شرکت‌کنندگان مکان‌های ترجیحی دیگری برای کوه‌پیمایی داشته باشند، ممکن است وابستگی مکانی کم‌تری به یک مکان خاص داشته باشند و پیوند عاطفی کم‌تری با مکان تعیین‌شده به دست آورند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در تدوین سیاست‌های توسعه فضاهای ورزشی و تفریحی جامعه ایرانی، باید جنبه‌های دل‌بستگی مکانی از جمله توجه به هویت مکانی و ایجاد مکان‌هایی برای برقراری روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و با مکان موردنظر و ایجاد حس دل‌بستگی با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی موردتوجه قرار گیرد. هویت کوه‌پیمایان در فراغتشان بسیار حائز اهمیت است. افرادی که کوه‌پیمایی را به‌عنوان یک فراغت جدی دنبال می‌کنند، هویتشان را با کوه‌پیمایی می‌شناسند و خانواده و دوستانشان نیز می‌دانند که برای یک کوه‌پیمای، انجام فعالیت‌های کوه‌پیمایی چقدر اهمیت دارد. با بهبود عملکرد ورزشکاران در این حیطه و تلاش هرچه بیشتر آن‌ها، قصد سفر از کوه‌پیمایی نیز افزایش می‌یابد. به‌طور کلی در این مطالعه تفاوتی میان زنان و مردان کوه‌پیمای کوه توچال یافت نشد. این می‌تواند به دلیل نوع فعالیت فراغتی که به‌صورت جدی دنبال می‌شود و نوع فعالیت فراغتی که در این تحقیق کوه‌پیمایی است باشد، زیرا در فعالیت‌های فراغتی جدی زنان محدودیت‌های کم‌تری را احساس می‌کنند و شکاف‌های میان زنان و مردان کم و کم‌تر می‌شود. ارائه‌دهندگان خدمات فراغتی در مجموعه‌های ورزشی در جامعه می‌بایست با در نظر گرفتن مکان‌های مناسب بتوانند این امکان را برای افراد فراهم بکنند که علاوه بر انجام فعالیت‌های ورزشی و تفریحی مانند کوه‌پیمایی، فرصت بیشتری برای تعامل و برقراری ارتباط با هم، دوستان، خانواده و دیگر افراد جامعه داشته باشند که ممکن است خاطرات خوشایندی را برایشان به همراه داشته باشد و شرایط بازگشت مجدد آن‌ها را فراهم کند. در مقایسه با سایر مقاصد کوهستانی، کوه توچال در دسترس‌ترین و بلندترین کوه تهران به حساب می‌آید. بنابراین به‌نظر می‌رسد گردشگران کوه‌پیمایان به بازدید مجدد از این مقصد هستند. مدیران گردشگری باید از این ویژگی‌های جذاب برای ترویج دل‌بستگی مکانی استفاده کنند و شرایط بازگشت مجدد کوه‌پیمایان را فراهم کنند. بدین ترتیب باید اقامتگاه‌ها و کیفیت غذا را



ارتقا دهد و راحتی حمل‌ونقل را بهبود بخشد. ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری می‌توانند اطلاعات مفیدی را از یافته‌های جمعیت‌شناختی این مطالعه به‌دست آورند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که یک گردشگر کوه‌پیما در ایران احتمالاً مردی متأهل، تحصیل‌کرده دانشگاهی و میان‌سال است. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که گردشگران کوه‌پیمایی مصرف‌کنندگان اصلی با درآمد قابل‌توجهی هستند که از سفرهای منظم شبانه پشتیبانی می‌کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و متولیان ورزش ایران فضاهای تفریحی در فضای باز را با امکانات و خدمات رفاهی متنوع در نظر بگیرند، زیرا در حال حاضر تعداد این فضاها در ایران بسیار کم است. مطالعه حاضر نشان داد که پیگیری منظم در فعالیت‌های فراغتی در ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه می‌تواند به بهبود دل‌بستگی مکانی به امکانات تفریحی - ورزشی و قصد سفر آن‌ها منجر شود. این یافته‌ها همچنین به محققان این امکان را می‌دهد که ابعاد درگیر را عمیقاً بررسی کنند و در نتیجه راه‌حل‌های مناسب‌تری برای آن‌ها ارائه دهند. امروز مجموعه‌های ورزشی و تفریحی که خدمات فراغتی را ارائه می‌دهند افراد زیادی را جذب و درآمد قابل‌توجهی را به‌دست می‌آورند. شناخت ویژگی‌های فراغتی مبتنی بر جدید در فعالیت‌های فراغتی می‌تواند تعیین‌کننده دل‌بستگی مکانی و قصد سفر مجدد به فضاهای ورزشی و تفریحی شود.

References

- Andrieu, B., & Loland, S. (2017). The ecology of sport: From the practice of body ecology to emersed leisure. *Loisir et société/society and leisure*, 40(1), 1-6.
- Bosche, L. (2013). Woman Into The Wild: Female Thru-Hikers and Pilgrimage on the Appalachian and Pacific Crest Trails. In Scripps Senior Theses. http://scholarship.claremont.edu/scripps_theses/203
- Ehsani, M., Saffari, M., Amiri, M., & Kozechian, H. (2016). Designing the Model of Sport for all in Iran. *Sport Management Studies*, 6(27), 87-108 (Persian).
- Gould, J., Moore, D., Mcguire, F., Stebbins, R., Gould, J., Mcguire, F., & Stebbins, R. (2008). Development of the serious leisure inventory and measure development of the serious leisure inventory and measure. 2216. <https://doi.org/10.1080/00222216.2008.11950132>
- Andrieu, B., & Loland, S. (2017). The ecology of sport: From the practice of body ecology to emersed leisure. *Loisir et société/society and leisure*, 40(1), 1-6.
- Bosche, L. (2013). Woman Into The Wild: Female Thru-Hikers and Pilgrimage on the Appalachian and Pacific Crest Trails. In Scripps Senior

Theses. http://scholarship.claremont.edu/scripps_theses/203

Ehsani, M., Saffari, M., Amiri, M., & Kozechian, H. (2016). Designing the Model of Sport for all in Iran. *Sport Management Studies*, 6(27), 87–108 (Persian).

Gould, J., Moore, D., Mcguire, F., Stebbins, R., Gould, J., Mcguire, F., & Stebbins, R. (2008). Development of the serious leisure inventory and measure development of the serious leisure inventory and measure. 2216. <https://doi.org/10.1080/00222216.2008.11950132>

Howard, I., & Goldenberg, M. (2020). Women thru-hiker experiences on the Pacific Crest Trail: gender influences, factors of success, and personal outcomes. *Journal of Outdoor Recreation, Education, and Leadership*, 12(1), unpaginated.

Kay, T. (2000). Leisure, gender and family: The influence of social policy. *Leisure Studies*, 19(4), 247–265. <https://doi.org/10.1080/02614360050118823>

Kühnis, J., Eckert, N., Mandel, D., Egli, S., & Imholz, P. (2016). Importance of sport activities in leisure time and school settings among Swiss and foreign children Results from a cross-sectional study in Central Switzerland. *Journal of Physical Education & Health-Social Perspective*, 5(8), 13-19.

Iwasaki, Y. (2017). Literature-informed conceptual framework for meaning-focused leisure practice. *World Leisure Journal*, 59(sup1), 7–14.

Ramkissoon, H., Smith, L. D. G., & Weiler, B. (2013). Relationships between place attachment, place satisfaction and pro-environmental behaviour in an Australian national park. *Journal of Sustainable Tourism*, 21(3), 434–457. <https://doi.org/10.1080/09669582.2012.708042>

Roult, R., & Machemehl, C. (2016). Territorial development and planning of sporting and leisure facilities/Aménagement et planification territoriale des installations sportives et de loisir. *Loisir et Societe*, 39(1), 1–11. <https://doi.org/10.1080/07053436.2016.1151227>

Safari, K., & Modiri, F. (2011). A Meta-analysis of studies on factors affecting leisure time. *Sociological Review*, 18(38), 145-166 (Persian).

Zhang, H., Gursay, D., & Xu, H. (2016). The Effects of Associative Slogans on Tourists' Attitudes and Travel Intention: The Moderating Effects of Need for Cognition and Familiarity. <https://doi.org/10.1177/0047287515627029>